

مقایسه اعاده دادرسی از نظر حقوقی و جزائی

در دو سال قبل همکار محترم آقای قاسم بصری طی سه مقاله در کلیات اعاده دادرسی بحث نموده و مسائل مربوطه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند ، چون بنظر نگارنده هرچه بیشتر در مسائل مهمه حقوقی به بحث و فحص پرداخته شود نافع بوده و خالی از اشکال است لهذا در این مقاله منحصرأ بمقایسه اعاده دادرسی از نظر حقوقی و جزائی اکتفا شده و امید است مطالعه آن مورد توجه علاقمندان قرار گیرد .

مقدمه توضیح داده میشود که اعاده دادرسی یکی از طرق فوق العاده شکایت بوده و امریست که از محکومیت حکمی که صورت قطعیت یافته است بعلت اشتباهی که بدان نسبت میدهند درخواست ابطال آن میگردد و چون مقایسه اعاده دادرسی از جهات حقوقی و جزائی مورد نظر است بدوآ بذکر جهات مشترکه و مصادیق هریک مبادرت و سپس بتوضیح و بیان موارد افتراق پرداخته میشود .

الف - جهات مشترکه

۱ - همانطور که در مقدمه ذکر گردید اعاده دادرسی یکی از موضوعات فوق العاده طرق شکایت میباشد که در موارد مخصوص اجازه داده شده از حکم قطعی دادگاه درخواست تجدید نظر بعمل آید و این مطلب در امور جزائی و حقوقی مشترک است .

۲ - در صورت قبول اعاده دادرسی اجراء حکم تا زمانیکه رأی مجدد صادر نشود بعهدہ تعویق میافتد (مواد ۶۹ و ۷۰ آئین دادرسی کیفری و ۶۰ آئین دادرسی مدنی) .

۳ - حکمی که بعد از قبول اعاده دادرسی از دادگاه صلاحیتدار صادر میگردد در صورت عدم برائت محکوم بهیچوجه نباید شدیدتر از حکم قبلی باشد .

۴ - بعد از قبول درخواست اعاده دادرسی رسیدگی دادگاههای صلاحیتدار

حقوقی و یا جزائی جنبه ماهوی داشته و برخلاف مرحله فرجایی که بحث در اشتباه قانونی ((erreur de droit)) صورت میگیرد در این مرحله با اشتباه موضوعی ((erreur de fait)) رسیدگی و اظهار نظر میشود.

ب - مصادیق اعاده دادرسی

در آئین دادرسی کیفری بموجب ماده ۶۶-۴ جهات اعاده محاکم نسبت به احکام قطعی محاکم اعم از اینکه بموقع اجرا گذاشته شده یا نشده باشد از قرار ذیل است :

- ۱ - وقتی که چند نفر باتهام ارتکاب تفصیری محکوم شده‌اند و تقصیر طوریت که بیش از یک مرتکب نمیتواند داشته باشد.
 - ۲ - وقتی که کسی باتهام قتل شخصی محکوم شده و آن شخص بعداً پیدا شده و محقق شده که در حال حیات است.
 - ۳ - هرگاه دلائلی ابراز شود که مؤثر بر بی تقصیری متهم باشد یا اینکه جزائی که برای او معین شده است بواسطه اشتباه حکام دادگستری قانوناً متناسب با تقصیر او نیست.
 - ۴ - کشف و ثبوت اسناد جعلی و یا شهادت جعلی که مبنای حکم بوده.
- و نیز موارد اعاده دادرسی از نظر حقوقی برطبق ماده ۵۹۲ آئین دادرسی مدنی منحصر بجهات زیر است :
- ۱ - اگر در مطلبی که موضوع اعاده نبوده است حکم صادر شده است.
 - ۲ - اگر حکم بمقدار بیشتر از خواسته صادر شده باشد.
 - ۳ - در صورتیکه در مفاد یک حکم مواد متضاد باشد.
 - ۴ - در صورتیکه حکم قطعی دادگاه مخالف باشد با حکم قطعی دیگر که سابقاً همان دادگاه در خصوص همان دعوی و بین همان اصحاب دعوی صادر کرده بدون اینکه سبب قانونی موجب این مغایرت باشد.
 - ۵ - در صورتیکه طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حیل و تقلبی نموده باشد که در حکم دادگاه مؤثر بوده.
 - ۶ - اگر حکم دادگاه مستند با اسناد بوده است که بعداً مجعولیت آنها ثابت شده باشد.

۷- اگر بعد از صدور حکم اسناد و نوشتجاتی یافت شود که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی بوده و ثابت گردد که آن اسناد و نوشتجات را طرف مقابل مکتوم داشته و یا باعث کتمان آنها بوده.

با توجه بجهات و مصادیق ذکر شده روشن میگردد که اصولاً قلمرو اعاده دادرسی لایتناهی نبوده و بغیر از موضوعات نامبرده نمیتوان استدعای تجدید نظر از احکام قطعی نمود.

ج - موارد افتراق اعاده دادرسی در امور جزائی و حقوقی :

۱- از نظر کمیت - بطوریکه ذکر شد جهات اعاده دادرسی در امور جزائی شامل ۴ مورد و در امور حقوقی مشتمل بر ۷ مورد میباشد. بدیهی است فلسفه اعاده دادرسی بموارد معینه بجهت جلوگیری از تزلزل تصمیمات قضائی میباشد که با احکام قطعی حتی المقدور خللی وارد نگردد مگر بهنگام ضرورت و استحقاق مستدعی آن.

۲- موعده اعاده دادرسی - مهلت درخواست اعاده دادرسی از نظر حقوقی بموجب مواد ۵۹۳ تا ۵۹۶ آئین دادرسی مدنی بشرح زیر معین گردیده.

ماده ۵۹۳ - مهلت اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران ده روز است بعلاوه مدت مسافت و برای کسانی که در خارجه مقیمند دو ماه و برای کشورهای دور مثل امریکا - خاور دور - اقیانوسیه سه ماه مهلت بطریق زیر شروع میشود.

۱- نسبت با احکام حضوری از تاریخ ابلاغ

۲- نسبت با احکام غیابی از تاریخ انقضای مدت اعتراض

ماده ۵۹۴ - اگر اعاده دادرسی بجهت مغایر بودن دو حکم باشد ابتداء

مهلت از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است.

ماده ۵۹۵ - اگر سبب اعاده دادرسی مجعول بودن اسناد یا حيله و تقلب

طرف مقابل باشد ابتداء مهلت اعاده دادرسی تاریخ ثبوت جعلیت یا حيله و تقلب بموجب حکم نهائی است.

ماده ۵۹۶ - هرگاه سبب اعاده دادرسی وجود اسناد مکتومه باشد مهلت

از تاریخ وصول نوشتجات مکتومه بصاحب آن شروع میشود. و تاریخ مزبور با قرار در دادگاه و یا بسند کتبی محرز شود.

و بعد از انقضای مهلت مقرر بهیچوجه از محکوم علیه درخواست اعاده دادرسی پذیرفته نمیشود در صورتیکه در امور جزائی مدتی برای استدعای اعاده محاکمه در نظر گرفته نشده و مستدعی آن میتواند هر وقت که بخواهد با رعایت قوانین مربوطه درخواست تجدید نظر نماید (در حقوق جزائی فرانسه مهلت استدعای اعاده دادرسی از احکام قطعی تا یکسال است)

۳ - اشخاصیکه صلاحیت استدعای محاکمه را دارند .

برای امور جزائی مستدعیان اعاده محاکمه بر طبق ماده ۶۷ و آئین دادرسی کیفری عبارتند از : اول محکوم علیه یا در صورت فوت او عیال و وراث قانونی او و هم چنین اشخاصیکه از طرف او مأموریت مخصوص در این باب داشته اند .
دوم - درخواست مدعی العموم تمیز که مبتنی بر حکم و مأموریت از طرف وزیر عدلیه باشد .

در صورتیکه در امور حقوقی با استناد ماده ۹۷ و آئین دادرسی مدنی ناظر بر مواد ۴۸۶ و ۴۸۷ همان قانون منحصرأ محکوم علیه و وراث قانونی و یا قائم مقام او صلاحیت اقامه دعوی داشته و بهیچوجه دادستان دیوانعالی کشور حق درخواست اعاده دادرسی را ندارد .

۴ - اقسام اعاده دادرسی - بموجب ماده ۹۸ و آئین دادرسی مدنی در امور حقوقی اعاده دادرسی بر دو قسم است .

اول - اعاده دادرسی اصلی

دوم - اعاده دادرسی طاری

لکن از جهت جزائی اعاده دادرسی با قسامی تقسیم نشده

۵ - مرجع درخواست اعاده دادرسی - بر طبق ماده ۹۹ و آئین دادرسی مدنی در امور حقوقی مرجع دادخواست اعاده دادرسی اصلی با دادگاهی است که حکم مورد درخواست از آن صادر شده است و دادخواست اعاده دادرسی طاری باید به دادگاهی داده شود که حکم در آنجا بطور دلیل ابراز شده است اما مرجع درخواست اعاده دادرسی امور جزائی بر طبق ماده ۶۸ و آئین دادرسی کیفری بدین شرح با دیوانعالی کشور است .

ماده ۶۸ - استدعای اعاده محاکمه بدیوان تمیز داده میشود دیوان

مزبور پس از آنکه اطمینان از جهت اوضاع و احوالیکه باعث استدعای محاکمه شده حاصل کرد رسیدگی را بمحکمه دیگری که صلاحیت رسیدگی را دارد و در عرض محکمه ایست که حکم داده است رجوع میکنند.

البته اختصاص رسیدگی بدرخواست اعاده دادرسی برای امور جزائی در دیوانعالی کشور از لحاظ اهمیت موضوع و حفظ نظام اجتماعی و حقوقی افراد است که قانونگذار مصلحت دانسته در عالیترین مرجع قضائی مورد بررسی و اطمینان نظر قرار گیرد و چون طرح مجدد مسائل حقوقی در محاکم صادرکننده حکم لطمه‌ای بنظم اجتماع وارد نمیسازد رسیدگی بآن بلامانع تشخیص داده شده است.

۶ - احکامیکه قابل درخواست اعاده دادرسی است.

برطبق ماده ۹۱ و آئین دادرسی مدنی که مقرر میدارد :

در صورت وجود یکی از جهات اعاده دادرسی نسبت باحکام زیر ممکن است درخواست اعاده دادرسی نمود :

۱ - حکم پژوهشی

۲ - حکم حضوری مرحله نخستین که بطور قطعی صادر شده است .

۳ - حکم غیابی مرحله نخستین که مدت اعتراض آن منقضی شده یا غیر

قابل پژوهشی صادر شده است .

معلوم میشود که در امور حقوقی از کلیه احکام قطعی میتوان درخواست

اعاده دادرسی نمود اما در امور جزائی با استنباط از ماده ۷۱ و آئین دادرسی کیفری که مقرر شده است در امور جنحه نیز استدعای اعاده محاکم پذیرفته است مگر در مورد محکومیتها تئیکه قانوناً قابل فرجام نباشد . مشخص میگردد که :

اولا امکان استدعای اعاده دادرسی نسبت باحکام محکومیت قطعی جنائی

و جنحه هائیکه قابل رسیدگی فرجاسی هستند پیش بینی گردیده .

ثانیاً بمحکومین امور خلافی و پرداخت غرامت و جنحه هائیکه مدت آن تا

دو ماه حبس تأدیبی میباشد مطلقاً اجازه استدعای اعاده دادرسی داده نشده .

۷ - استدعای اعاده دادرسی تبعی .

در امور حقوقی باستناد ماده ۶۰۸ آئین دادرسی « هرگاه یکی از طرفین

دعوی نسبت بحکمی درخواست اعاده دادرسی نماید طرف دیگر میتواند در مقابل

آن شخص مادامیکه جریان اعاده دادرسی خاتمه نیافته از همان حکم نسبت به محکومیت خود در صورت وجود یکی از جهات اعاده دادرسی تبعاً درخواست اعاده دادرسی نماید هرچند مدت مقرر نسبت باو منقضی شده باشد. «

لکن استدعای اعاده دادرسی تبعی برای امور جزائی مطلقاً شناخته نشده و طرح چنین موضوعی مورد ندارد.

۸ - دفعات استدعای اعاده دادرسی - بموجب ماده ۶.۷ آئین دادرسی مدنی « نسبت به حکمی که در نتیجه درخواست اعاده دادرسی صادر میشود دیگر اعاده دادرسی پذیرفته نخواهد شد. »

لکن در امور جزائی مانعی نیست که با حصول علل و جهات قانونی بدفعات مختلفه درخواست استدعای اعاده دادرسی نمود.

بدین ترتیب معلوم میگردد که برخلاف امور جزائی برای امور حقوقی بیش از یک نوبت درخواست اعاده دادرسی پذیرفته نمیشود.